

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی

از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۶۰

* ناصر پورحسن / بهنام جلیلی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵

چکیده

انقلاب‌ها را می‌توان در سطوح ریشه‌ها و دلایل؛ روندها؛ پیامدها و نتایج تحلیل کرد این مقاله بر موضوع ریشه‌های گفتمانی شکل‌گیری انقلاب و نیز روند گذار به نظام پساپهلوی متمرکز شده است. انقلاب اسلامی حاصل رقابت گفتمان‌های چپ، پهلویسم، اسلام سیاسی فقهاتی و ملی‌گرایی است که برای رسیدن به مقام هژمونی چندین دهه با هم منازعه داشتند. رقابت و منازعات گفتمانی دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ بازه زمانی این مقاله را تشکیل می‌دهد. در این نوشتار با به کارگیری چارچوب نظری-روشی گفتمان به چرایی یک برجسته‌سازی و پیروزی و یک به حاشیه‌رانی و شکست پرداخته است. چگونه گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در منازعه گفتمانی رخدادهای مرتبط با انقلاب در مقایسه با گفتمان ملی‌گرای سیاسی-مدنی از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۶۰ برجسته شد؟ پاسخ این پرسش در قالب این فرضیه صورت‌بندی شده است: گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی با برقراری تناسب بین استراتژی و کانونهای ابژه‌ساز و ابژه‌های گفتمانی و به کارگیری استراتژی‌ها و تاکتیک‌های (تکنولوژی) برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی سخت‌افزاری و نرم-افزاری قدرت و همچنین به پشتوانه سوژگی امام خمینی، بیناگفتمانی استعاری و اسطوره‌ای را مفصل‌بندی کرد و در نهایت برجسته شد و هژمونی یافت اما گفتمان ملی‌گرا به دلیل عدم برخورداری از موارد مذکور به حاشیه رانده شد و شکست خورد. فرضیه این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی پردازش شده است.

کلیدواژگان: «اسلام سیاسی فقهاتی»، «ملی‌گرا»، «منازعات گفتمانی»، «استراتژی قدرت»،

«هژمونی»

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، n.pourhassan1303@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی و نوع نظام سیاسی پس از انقلاب را می‌توان از منظر منازعات گفتمانی دوره پیشاانقلاب و پساانقلاب تحلیل کرد. گفتمان‌های چپ، پهلویسم، اسلام سیاسی فقاهتی و ملی‌گرایی برای رسیدن به مقام هژمونی چندین دهه با هم منازعه داشتند. درحالی‌که پهلویسم، گفتمان رسمی دوره پهلوی بود، چپ از دهه ۱۳۲۰، به گفتمان رقیب و غیررسمی تبدیل شد. ملی‌گرایی در مقاطعی چون اوایل دهه ۱۳۳۰، برجسته شد و در فرایند تحولات منتهی به پیروزی انقلاب و حتی تحولات سال‌های نخست پس از پیروزی نیز بازیگر گفتمانی مهمی بود. با این وصف گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی اگرچه از اوایل دهه ۱۳۴۰ صورت‌بندی شد، اما توانست سایر گفتمان‌ها را به حاشیه براند و سرانجام با تشکیل جمهوری اسلامی به گفتمان هژمون تبدیل شود. چگونگی برجسته‌سازی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی، مساله اصلی مقاله است که از معبر سؤال زیر به پژوهش گذاشته می‌شود. چگونه گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی در منازعه گفتمانی رخدادهای مرتبط با انقلاب در مقایسه با گفتمان ملی‌گرای سیاسی - مدنی از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۶۰ برجسته شد؟ فرضیه مقاله نیز اینگونه صورت‌بندی شده است: گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی با برقراری تناسب بین استراتژی و قانونهای ابره‌ساز و ابره‌های گفتمانی و به‌کارگیری استراتژی‌ها و تاکتیک‌های (تکنولوژی) برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت و همچنین به پشتوانه سوژگی امام خمینی، بیناگفتمانی استعاری و اسطوره‌ای را مفصل‌بندی کرد و در نهایت هژمونی یافت. درباره گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. حسینی‌زاده (۱۳۸۹) چگونگی شکل‌گیری گفتمان اسلام



سیاسی فقاهتی را بویژه در منازعه گفتمانی با پهلویسم بررسی کرده‌است. میراحمدی و شیرینی (۱۳۸۸: ۶۳-۹۰) عدالت سیاسی را در گفتمان انقلاب اسلام فقاهتی تحلیل کرده‌اند. با توجه به اینکه هیچ پژوهش مستقلی فرایند هژمونی‌شدن گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی در برابر گفتمان ملی گرا را در مقطع دهه زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ بررسی نکرده، این مقاله نوآوری پژوهشی است که فرضیه آن در چارچوب نظریه گفتمان به شیوه توصیفی - تحلیلی پردازش شده‌است.

۱. گفتمان به مثابه چارچوب نظری و روشی

در این نوشتار، «گفتمان» هم به عنوان چارچوب نظری و هم روش به کار گرفته می‌شود. برای پردازش بهتر موضوع و برخورداری از یک روش ترکیبی و کل نگر، برخی مفاهیم نیز به عنوان ابزارهای تحلیلی از نظریه‌های تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف و گفتمان فوکو وام گرفته شده‌است. گفتمان مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی است (تاجیک، ۱۳۸۲: ۲۱). عناصر و سازمان‌های گفتمان عبارتند از: «مفصل‌بندی» که تلفیقی از عناصری با قرارگرفتن در مجموعه جدید است که هویتی تازه می‌یابد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۶). «دال مرکزی» را می‌توان معادل نقطه مرکزی هویت‌یابی دانست که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). «دال شناور» دالی است که مدلول آن غیرثابت و متعدد است. «دال تهی» یا خالی نیز ناظر بر یک فضای خالی و بدون ساخت است و کارکرد آن بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوب است. «غیریت‌سازی» موجب ایجاد و تثبیت مرزهای سیاسی هویت است. «بیقراری و تزلزل» حوادثی هستند حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه‌اند که نمی‌توانند توسط نظم گفتمانی موجود نمادپردازی شوند. «سوژه» یعنی توان تصمیم‌گیری درباره گفتمان، نه درون گفتمان (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۳-۱۹۴) و داشتن اراده و اختیار رهبری. «قابلیت دسترسی و اعتبار» یعنی داشتن پذیرش و پایگاه اجتماعی و سازواری ارزشی با جامعه. «اسطوره‌سازی و وجه استعاره‌ای

یاسست پژوهی

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



گفتمان یعنی ارائه وضعیت آرمانی و مطلوب. «زنجیره هم‌ارزی و زنجیره تفاوت» که تکرر و تفاوت را پوشش می‌دهد و بر مشابهت‌ها تاکید دارد. اما منطق و زنجیره تفاوت بر اختلافات و تفاوت‌ها و تمایزات و تکررات تاکید دارد (حسینی زاده، ۲۱: ۱۳۸۹). «حوزه گفتمانی» حوزه‌ای که یک دال پیش از مفصل‌بندی در یک گفتمان در آن قرار دارد. «هژمونی» سلطه، تعیین‌کنندگی مقررات و مفاهیم است. هژمونی بر این پایه استوار است که چه کسی برتر خواهد بود (استوکر و مارش، ۱۳۸۴: ۲۰۹)

«مداخله هژمونیک» یعنی بازسازی یک وضعیت مبهم و متزلزل به واسطه زور (سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۴). در این حالت شیوه‌های مختلف فهم از جهان سرکوب و فقط یک نگرش خاص طبیعی و غالب می‌شود. «برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی» سازوکاری برای تقویت خود و تضعیف غیر است و دارای دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. برجسته‌سازی‌ها و به حاشیه‌رانی‌های نرم‌افزاری در قالب زبان، و سخت‌افزاری در مواردی چون توقیف، حبس، اعدام، ترور، تظاهرات خیابانی و مانند آن نمود می‌یابد. (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۳).

مفاهیم به‌عاریه گرفته‌شده از نظریه فرکلاف به عنوان ابزارهای تحلیلی در این مقاله عبارتند از «متن» یعنی گفتار، نوشتار، نمادهای دیداری یا ترکیبی از همه این موارد؛ «کردارگفتمانی» که شامل تولید و مصرف متون می‌شود؛ و «کردار اجتماعی» یعنی تحلیل جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که با یک رویداد ارتباطی گفتمانی، مرتبط است. مفهوم دیگر «بیناگفتمان» است که به معنای به‌کارگیری عناصری از نظم گفتمانی در یک متن یا حوزه یا نظم گفتمانی دیگر است. مفاهیم به کارگرفته‌شده از گفتمان فوکو در این نوشتار شامل این مواردند: «حکم» که کنش‌های گفتاری جدی است و شیوه‌های اندیشیدن و معیار صدق و کذب را در دوره‌های تاریخی مشخص تعیین می‌کند، مانند سیاست ما عین دیانت ماست یا آمریکا شیطان بزرگ است. (سلطانی، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲، ۴۱-۴۲). «ابژه‌های گفتمان و کانون‌های ابژه‌ساز» در نگاه فوکو یکی از عناصر هر



صورت‌بندی گفتمانی هستند که توسط کانون‌هایی تعیین می‌شوند. فوکو درباره این کانون‌های اجتماعی بر سه موضوع تأکید می‌کند: ۱- هنجارهای ابژه‌ساز ۲- افراد صاحب اختیار و اقتدار که جامعه این حق را به آنها می‌دهد تا ابژه‌ها را تعیین کنند؛ ۳- نوع رفتار و خصوصیات افراد خاص که آنها را به موضوع بحث در گفتمان تبدیل می‌کند (نجف زاده، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶). «استراتژی‌ها و تاکتیک‌های قدرت/گفتمان» شبکه‌ها و ساز و کارها و فنونی هستند که هر تصمیمی به کمک آنها پذیرفته می‌شود و هیچ تصمیمی از طریق آنها جز به همان صورتی که گرفته شده، اتخاذ نمی‌شود (خوشروزاده، ۱۳۸۲: ۱۷۹). مجموعه مفاهیم، موضوعات شناسایی و گزاره‌های یک گفتمان باعث شکل‌گیری مضامین یا نظریه‌هایی می‌شود که فوکو آنها را استراتژیها می‌خواند. تکنولوژی‌های قدرت، سازوکارهایی هستند در راستای تمییز بهنجاری‌ها از نابهنجاری‌ها و شکل‌گیری نوعی حصربندی گفتمانی و توزیع و انضباط (نظری، ۱۳۸۷: ۴) که در ارتباط با دانش عهده‌دار نقشی انضباطی است و در چارچوب نهادها، دیگران را هدایت می‌کند.

۲. ظهور گفتمان اسلام سیاسی فقهتی پس از خرداد ۱۳۴۲

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از نظر گفتمانی، نقطه حساسی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. شاه، توانست این حرکت را که جدی‌ترین مبارزه‌جویی علیه او از کودتای سال ۱۳۳۲ بود، با تکنولوژی‌های سخت‌افزاری قدرت، سرکوب کند. سرکوبی که نمایانگر این بود رژیم پهلوی که تنها بازنماینده چهره اول و کلان قدرت بود، تبدیل به کالبدی می‌شد که روح در حال جدا شدن از آن بود زیرا چهره چهارم قدرت که نرم و غیر ملموس است به سان روح است. این قیام که پیکار میکروفیزیک با ماکروفیزیک قدرت بود از لایه‌های پایین جامعه جوشید (خوشروزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۱) و گفتمان پهلویسم به عنوان دگر و خصم گفتمانی را تا مرز به حاشیه‌رانی کشاند. گستره اعتراض به اندازه‌ای بود که اگر بدیلی قدرتمند در عرصه سیاست با سازماندهی و رهبری مناسب وجود داشت در همان زمان عمر دولت پهلوی پایان یافته بود، ولی نبود یک گفتمان جایگزین در آن

سیاست پژوهی

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهتی از خرداد ۱۳۳۲ تا خرداد ۱۳۶۰



شرایط به کمک نظام پهلوی آمد و آنرا از سقوط نجات داد (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۲) قیام ۱۵ خرداد که اوج غیریت‌سازی با گفتمان پهلویسم بود باعث شد گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به عنوان گفتمان مقاومت مطرح شود زیرا ناتوانی نیروهای ملی‌گرا در بکارگیری بهنگام استراتژی‌ها و تاکتیک‌های قدرت در این قیام آشکار بود. تاثیر این حرکت بر گفتمان ملی‌گرا به گونه‌ای بود که مدتی پس از رویدادهای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در تابستان همان سال شماری از دانشجویان و جوانان عضو و هوادار جبهه ملی دوم، به‌رغم مخالفت‌های رهبران جبهه، برضد دولت تظاهرات کردند. آنان، از جمله هدایت‌الله متین-دفتری نوه دختری دکتر مصدق، از رهبری غیرقاطعانه و سیاست صبر و انتظار حاکم بر جبهه سرخورده و به سیاست تندروانه‌تری روی آورده بودند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۳۳۱-۳۳۰)، در این زمان نیز جبهه ملی سوم شکل گرفت.

پیگیری این استراتژی‌ها همراه با استفاده از تاکتیک‌های سخت‌افزاری قدرت و به حاشیه‌رانیِ خشونت‌آمیز اغیار از سوی گفتمان پهلویسم که با توسعه ناموزون با بحران مشروعیت مواجه شده بود، باعث شد حوزه فرهنگ پناهگاه گفتمان مقاومت و کردارهای گفتمانی (مصرف متن) و تولید متن (سخنرانی، کتاب، نشریات، نمادها و سایر تولیدات نوشتاری و گفتاری) شود. سخنرانی تاریخی امام در جریان قیام ۱۵ خرداد که تولید متن بود، منجر به دستگیری ایشان شد. این دستگیری باعث رادیکال شدن روحانیت شد. نهادی که با دانش خود، در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ قدرت تولید کرد و قیام در قم و چندین شهر کشور، بعنوان تکنولوژی سخت‌افزاری برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی قدرت گفتمان ولایی آغاز شد.

۳. کردارهای گفتمانی/زبانی و تولید متن

یکی از حوزه‌های گفتمانی که پس از این قیام تا بهمن ۵۷ شکل گرفت و بر استعلایی-شدن فضا و پنداره‌های اجتماعی تاثیر گذار بود، حوزه تولید متن یا حوزه رسانه‌ای،



کتابها، بیانیه‌ها، مرامنامه‌های انقلابی، مطبوعات و روزنامه‌ها، هفته نامه، ماهنامه، گاهنامه و سخنرانی‌ها و نمادها و آیین‌هاست که بعنوان تاکتیک‌های نرم افزاری قدرت در پیکارهای گفتمانی برای برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی یا واسازی و ساخت‌یابی بکار گرفته شدند. انقلاب ۵۷ از لحاظ پیوند بین حوزه نرم‌افزاری به عنوان تاکتیک و استراتژی یا همان نظریه هژمون‌یافته، مثال زدنی است. بررسی کوتاهی در کردارهای گفتمانی یا همان حوزه تولید متن در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۷ در ایران دقیقاً خلاف روند جهانی را نشان می‌دهد. زیرا هرچه گفتمان رسمی بیشتر بسوی تولید متنهای غیر دینی و ضد دینی درحوزه‌های گوناگونی چون کتاب، مطبوعات و سینما و موسیقی پیش می‌رفت، گفتمان‌های مقاومت جنبه دینی تری پیدا می‌کردند.

یاست پژوهی

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰

تکنولوژی‌های نرم‌افزاری در فرایند انقلاب و پیروزی انقلاب و ساختار شکنی گفتمان پهلویسم نقش بسیاری داشتند. گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در مقایسه با گفتمان ملی‌گرا توان بیشتری در بهره‌برداری از این نرم‌افزارها داشت. به‌گونه‌ای که در پیکار گفتمانی درحوزه نرم‌افزاری گفتمان اسلام سیاسی برجسته شد و گفتمان ملی‌گرا به دلیل عدم تولید متن کاملاً به حاشیه رانده شد زیرا یا کردار زبانی و گفتمانی گفتمان ملی‌گرا در این بازه زمانی چندان نبود یا متونی هم که توسط فردی چون مهدی بازرگان نوشته می‌شد متأثر از نظام دانایی حاکم بر گفتمان اسلام بود و در برخی موارد وی به عنوان یک نیروی ملی با نشریه‌های اسلامی همکاری می‌کرد و نشریاتی هم که مانند «اخبار جبهه» که منتشر می‌شد، چندان گسترده نبودند و بخش دیگر این کردارها را هم که نوشتن نامه تشکیل می‌داد، بدون اختلاف و ماجرا نبود.

گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در مقایسه با گفتمان ملی‌گرا توان بیشتری در تولید و بهره‌برداری از این ابزارهای نرم برای هویت‌بخشی و معنادهی به جامعه داشت و شیوه-



۱۶۳

های اندیشیدن و معیارهای صدق و کذب جامعه را جهت می‌داد. «سال ۱۹۵۸، نخستین شماره از ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام در قم به وسیله انتشارات دارالتبلیغ اسلامی

که سرپرستی آن را آیت‌الله محمد کاظم شریعتمداری به عهده داشت، منتشر شد. این نشریه به‌زودی جای شایسته خود را در صحنه فکری ایران به دست آورد، تا آنجا که مطابق یک پژوهش در اواخر دهه ۱۳۵۰ ماهانه پنجاه هزار نسخه از آن به فروش می‌رفت، حال آنکه مجله سخن، مشهورترین نشریه ادبی پس از جنگ جهانی دوم، تنها سه هزار نسخه تیراژ داشت (بروجردی، ۱۳۷۷: ۴۲). نشریه بعدی «مکتب تشیع» بود که جمع‌آوری سخنرانی‌های نیروهای گفتمان اسلام سیاسی بود و نویسندگان و سخنرانان این متن، رهبران گروه‌های مختلف در دوران پس از انقلاب اسلامی تبدیل شدند (مطهری، ۱۳۶۴: ۳۲۱-۳۲۳).

در این میان بویژه باید بر بخش بسیار مهمی از حوزه نرم‌افزاری سال‌های انقلاب تاکید کرد و آن مجموعه کتابها و مقالات و سخنرانی‌های مکتوب علی شریعتی بود. هر چند شریعتی نیروی روحانی و سنتی محسوب نمی‌شد، اما درکلیت روند فعالیت فرهنگی خود زیر چتر نظم گفتمانی اسلام سیاسی قرار می‌گرفت و نشانگان منظومه معنایی‌اش در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی به‌عاریه گرفته می‌شد؛ نشانگانی چون: امام، امامت، امت، بازگشت به خویشتن، استکبار، انقلابی‌گری و... سخنرانی که شریعتی بیان می‌کرد به شدت ایدئولوژیک، بومی‌گرا و تا سرحد امکان اسلام‌گرا بود و قرائت او از گفتمان اسلامی و دال برتر اسلام به شدت اجتماعی و سیاسی و حرکت‌ساز شناخته می‌شد.

چنین گرایشی بعدها با ترجمه آثار سیدقطب از پیشگامان اسلام انقلابی در جهان عرب ظهور و بروز افزون‌تری یافت. در طول دهه‌های ۴۰ و ۵۰، چهارده اثر از آثار سیدقطب و محمد قطب توسط اسلام‌گرایان انقلابی در ایران منتشر شد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۱۶-۳۱۷). در کنار این آثار می‌توان از کتب محمد رضا حکیمی، مرتضی مطهری، آیت‌الله مکارم شیرازی و انتشارات موسسه «در راه حق» نام برد. همچنین تعداد کتب ترجمه در زمینه اسلامی در این سالها، بسیار زیاد شده‌بود. در این میان باید به نشریاتی اشاره



کرد که این جریان فرهنگی برای نسل جوان منتشر می‌کرد. از جمله دو نشریه با عنوان «نسل نو» و «پیام شادی» که برای جوانان و کودکان و توسط سیدهادی خسرو شاهی منتشر می‌شد. در این گفتمان نشریات عربی نیز منتشر می‌شد؛ از جمله نشریه علمی «الهادی» که سالها به عربی منتشر می‌شد و کسانی چون مهدی شمس‌الدین، محمدعلی تسخیری و جعفر مرتضی در آن مقاله داشتند. در کنار ماهنامه‌ها و کتاب‌های مذکور باید به نشریات مخفی هم اشاره کرد. از جمله مهمترین این نشریات که روحانیون انقلابی منتشر می‌کردند، «انتقام» و «بعثت» بود. این نشریات حاوی اخبار انقلاب و تحلیل‌های سیاسی مسائل داخلی و خارجی بود. در کنار این ماهنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها، باید به سالنامه‌ها نیز اشاره کرد. معروفترین سالنامه اسلامی که از مدتها قبل، انجمن تبلیغات اسلامی منتشر می‌کرد، «نور دانش» بود که مسائل اسلامی را با رویکرد علمی روز طرح می‌کرد. همچنین باید به «سالنامه مکتب جعفری» اشاره کرد که اولین شماره آن در ۴۰۰ صفحه و در اولین سال دهه چهل در قم منتشر شد.

همچنین گروهی از روحانیونی که تفکر سیاسی داشتند، از جمله طباطبایی، مطهری، بهشتی و عده‌ای دیگری از روشنفکران غیرروحانی از جمله بازرگان مباحثی را در باب ماهیت رهبری روحانیت و نهادهای دینی تشیع عنوان کردند. این مباحث بعدها در کتابی تحت عنوان «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» منتشر شد. بررسی مقالات این کتاب، نشان‌دهنده تلاش حساب‌شده سخنرانان برای اصلاح و نوسازی ساختار دستگاه روحانیت و نهادها و عملکردهای دینی آن است. نکته مهم دیگر، ارائه یک نظریه جدید در باب سیاست و رهبری سیاسی فقیه است. (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۵۴) مقصود شرکت کنندگان در این سلسله سخنرانی‌ها، بنای یک نظریه شیعی در باب حکومت اسلامی، با توجه به بافت متحول جامعه ایرانی و شرایط جدید جهانی بود. آنها می‌کوشیدند اسلام را به مثابه روش کلی زندگی عرضه کنند و به این رأی استحکام بخشند که اگر رهبر روحانی شیعه، جنبشی اصلاحی را پدید نیاورد و تشیع را با مسائل و واقعیتهای جدید

سیاست پژوهی

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهانی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



جهان مدرن که در حال متحول کردن ایران بود، سازگار نکند، احتمال تشکیل حکومت اسلامی از میان خواهد رفت.

۴. کانون‌های اجتماعی بهنجارسازِ ابژه‌های گفتمانی

کانون‌های بهنجارساز و هنجارهای ابژه‌ساز که با صورت‌بندی گزاره‌ها و مفاهیم و موضوعات شناسایی در مفصل‌بندی یک استراتژی تأثیر دارند، شامل حلقه‌ها و محافل فکری، کانون‌های فعال فرهنگی و سیاسی، مراکز تربیت نیروی انسانی و جریانها، شخصیت‌های فرهنگی موثر و منفرد، مراکز نیروسازی و احزاب و سازمان‌های سیاسی است. گفتمان ملی‌گرا در به‌کارگیری این کانونها، به مثابه تاکتیک‌های نرم برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی قدرت، کاملاً ناتوان بود. برای مثال بعد از ناکامی جبهه ملی سوم، ملیون به رهبری ادیب برومند و کریم سنجابی با همگامی داریوش فروهر، مهدی بازرگان، یدالله سحابی و حسین راضی برای ایجاد هماهنگی، جلساتی را به‌ظاهر برای صرف ناهار و یا شام در رستوران‌ها برگزار می‌کردند که در مقایسه با گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی این رفتارها را نمی‌توان تاکتیک‌هایی کارآمد و کردارهای گفتمانی و حوزه تولید متن دانست. در مقابل گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به طور گسترده از این کانونها و هنجارها بهره می‌برد. بخش عمده‌ای از این کانونها، مساجد و حلقه‌های فکری بودند که مستقیم یا غیرمستقیم مرکز سازماندهی، تربیت و ارتقای نیروهای انسانی و ابژه‌های گفتمانی در شرایط انقلابی بودند.

مهمترین محافل فکری در آن سالها حلقه امام خمینی و حلقه علامه طباطبایی بود. امام در جایگاه یک سوژه تعیین بخش نمونه بارز افراد صاحب صلاحیت و اختیار و اقتداری بود که جامعه این حق را به آنها می‌داد، ابژه‌های یک گفتمان را تعیین کنند (نجف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶). حرکت نیروساز و ابژه‌پرداز و نرم‌افزاری امام در قم و با مجموعه درسهای خارج امام شروع شد و شاگردان زیادی همچون مطهری، منتظری، بهشتی، امام موسی صدر و افراد دیگر را تربیت کرد. پس از تبعید امام به نجف، این



حلقه فکری، فرهنگی و آموزشی به نجف منتقل و مجموعه درسهای ولایت فقیه در همین مجموعه فعالیتها ارائه شد و دهها نفر از افرادی که بعدها همه از کنشگران اصلی انقلاب اسلامی بودند، تربیت شدند. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۵۸).

از دیگر کانونهای ابژه‌ساز در ارتباط با گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی، مراکز نیروسازی مانند مساجد، مدارس علمیه، تشکله‌ها و انجمن‌های اسلامی و دبیرستانها بود. در این رابطه مساجد و حسینیه‌های سنتی از مراکز مهم سازماندهی بودند که با تولید نرم‌افزار، به برجسته‌سازی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی و هژمونی این گفتمان پرداختند. این مجموعه تقریباً در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، نسبتاً هماهنگ عمل می‌کردند؛ از آن جمله می‌توان به مسجد جامع نارمک اشاره کرد که در آن آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر شریعتی، فخرالدین حجازی و آیت‌الله خزعلی سخنرانی می‌کردند. مسجد جاوید محل استقرار آیت‌الله مفتاح نیز یکی از محفلهای مذهبی مطرح برای انقلابیون بود. وی پس از تعطیلی این مکان، به مسجد قبا رفت؛ این مسجد در رمضان سال ۱۳۵۶ از مساجد فعال تهران بود. مسجد جلیلی با محوریت آیت‌الله مهدوی کنی و کانون توحید با مسئولیت آیت‌الله موسوی اردبیلی از دیگر مراکز و مساجد فعال بودند. به مسجد جامع عزیز الله بازار نیز از این لحاظ باید توجه کرد. مسجد الجواد در زمان فعالیت آیت‌الله مطهری و نیز مسجد امین‌الدوله یکی از مقرهای مؤتلفه از آن جمله‌اند. مسجد هدایت هم در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ محل حضور هزاران نفر مشتاق نهضت اسلامی جدید بود که از سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی بهره می‌بردند (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

از مهمترین مدارس می‌توان به مدرسه حقانی اشاره کرد که حاج علی حقانی از تجار بازار سرمایه آن را تأمین کرد و پایه‌گذاران آن بهشتی، قدوسی، ربانی شیرازی، مشکینی، حائری تهرانی و مرتضی جزائری بودند و تعداد زیادی از طلاب جوان فعال در فعالیتهای سیاسی قبل و بعد از انقلاب، در همین مدرسه با تربیت این افراد پرورش

یاسر شوبی

فرابند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



یافتند. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۷۶). مدرسه دارالزهرا و مکتب توحید از دیگر مدارسی بودند که پس از انقلاب نقش وسیع‌تری در تربیت طلاب زن در مسیر فعالیت‌های اسلام‌گرایی و گفتمان مذهبی در کشور داشتند.

از دیگر کانون‌های مهم در این سال‌ها مجموعه فعالیت‌های غیرستی مانند انجمن‌های اسلامی و مؤسسات فرهنگی‌ای بود که در قالب‌های جدید در راستای فعالیت‌های اسلامی حرکت می‌کردند. از مهمترین این مجموعه‌ها انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دانشگاهیان بودند. در این میان مؤسسات دینی جدید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند؛ بویژه «مؤسسه در راه حق» که فعالیت‌های وسیعی در زمینه نرم‌افزاری انجام می‌داد. از دیگر مجموعه‌های فعال در این زمینه «مجموعه دارالتبلیغ» بود. همچنین «مکتب ولی‌عصر» از جمله کانون‌های ابژه ساز در این سالها بود. خلاصه می‌توان گفت در این سال‌ها مجموعه این مؤسسات اسلامی و کانون‌های تربیتی از پایه‌های تاکتیک‌های نرم‌افزاری گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی بودند. درحالی‌که رژیم وقت هیچ نوع اقدام جمعی را خارج از چارچوب سیاسی وابسته به خود تحمل نمی‌کرد، (روشنفکران و انقلاب، ۱۳۵۸: ۱۲) گفتمان اسلام سیاسی از طریق گروه‌ها و انجمن‌های خیریه که ماهیت اجتماعی داشتند، به موازات سازمان‌های دولت خدمات رسانی کرده و لایه‌های اجتماعی در فضای غیرحکومتی و در نهادهای اجتماعی و مجاور سیستمی نیروهای حاشیه‌ای را جذب می‌کرد. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

۵. استراتژی گفتمان/قدرت

از ۱۳۴۰ تا خرداد ۱۳۶۰ دو استراتژی ملی‌گرایی و اسلام سیاسی فقاهتی برجستگی بیشتری نسبت به سایر استراتژی‌ها داشتند؛ اما در ارتباط با ملی‌گرایی باید گفت رویدادهای این دوره زمانی بازگو کننده این گزاره‌اند که ملی‌گرایی سیاسی-مدنی به دلیل نداشتن سازو کارها و شبکه‌های نظری و ابزارهای قدرت، یک استراتژی فراگیر نشد. گفتمان ملی‌گرایی از سازمایه‌های مطرح شده برای یک استراتژی برخوردار نبود و



هر تصمیمی و بیرون از هر طریق و شیوه‌ای و به هر صورتی گرفته می‌شد به‌طوریکه در فضای ازجاشدگی و بیقراری و متزلزل گفتمان پهلویسم یکی تصمیم به اصلاح‌طلبی و حرکت در گفتمان پهلویسم گرفت و یکی به شیوه‌ای کاملاً متباین تصمیم به انقلابی-گری و حرکت بر گفتمان پهلویسم. درباره سازواری و هم‌سنجی این گزاره با کردارهای زبانی و غیرزبانی و گفتمانی گفتمان ملی‌گرا، در آن مجموعه‌ای یک‌دست از مفاهیم و گزاره‌ها و موضوعات شناسایی که حاصل هم‌نشینی باشند وجود نداشت، به‌گونه‌ای که از طرفی مفهومی چون دین وارد بخشی از این گفتمان سکولار شد و از طرف دیگر گزاره‌هایی چون انقلابی‌گری و مبارزه با رژیم و اصلاح‌طلبی و مبارزه در رژیم در درون این گفتمان وجود داشت؛ و موضوعات شناسایی مختلفی نیز وجود داشت که برای برخی اصلاحات و گفتمان حاکم بود و برای برخی صبر و انتظار و پیرو این کردارها قواعد گفتمانی نیز شکسته می‌شد. در مقایسه با گفتمان ملی‌گرا این ولایت فقیه بود که به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی خاص به استراتژی انقلاب تبدیل شد. به بیان دیگر، گستره رهبریت امام/ فقیه در متن و بر متن بود یعنی حاشیه و متن را نمی‌شناخت و در تمامی عرصه‌ها و لایه‌های جامعه جاری و ساری بود و در آغاز و انجام هر تصمیم و حرکتی نشانی از آن دیده می‌شد. از این آموزه، فقیه جایگاهی یافت که در آن هم حوزه عمومی تحت تأثیر رأی اجتهادی وی بود. آموزه ولایت فقیه هماهنگ با نظام صدقی حاکم برجامعه بود و در چارچوب نظریه امام توان استعاری‌سازی فراگیر داشت و به ترسیم نوعی موقعیت استعاری دست زد. به بیان دیگر، این آموزه تصویری از نوعی موقعیت را برای مردم ارائه می‌کرد که نسبت به موقعیت قبل بالاتر می‌نمود، موقعیتی که برتر از موقعیت قبل در گفتمان پهلویستی است. تصویر وضعی مطلوب که کنار زدن وضع موجود را واجب می‌کرد.

سیاست پژوهی

فرآیند پژوهشی گفتمان اسلام سیاسی فقهانی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



۱۶۹ ۶. بیقراری و ازجاشدگی گفتمان پهلویسم و فراگیری گفتمان اسلام سیاسی فقهانی

رخدادهای بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نشان از رادیکال شدن و تغییر شیوه‌های مبارزه

می‌داد، بطوریکه از اواخر این دهه مبارزات مسلحانه شروع شد و تا سرکوب کامل توسط گفتمان حاکم در سال ۱۳۵۵ ادامه یافت. مهمترین تاثیر این مبارزات مسلحانه، متشنج و انقلابی کردن فضای سیاسی جامعه بود. اما اصل ماجرا تصلب و عدم بازاندیشی در گفتمان پهلویسم و برجستگی دوباره دال شاه و باستان‌گرایی و به حاشیه‌رانی دال‌های اسلام و حاکمیت ملی در الگوی هویتی پهلویسم بود که خود را در رخدادهایی چون جشن تاجگذاری در سال ۱۳۴۶ و جشنهای ۲۵۰۰ ساله در سال ۱۳۵۰ و تأسیس نظام تک حزبی در سال ۱۳۵۴ و تغییر تقویم از هجری شمسی به شاهنشاهی در سال ۱۳۵۵ نشان داد. در این سالها امام در سراسر دوران اقامت در نجف، به کردارهای گفتمانی زبانی-متنی در قالب اعلامیه‌ها و پیام‌هایی در اعتراض به موارد مذکور ادامه می‌داد و در گفتمان ملی‌گرا نخستین نشانه‌های تحرک در آخرین روزهای اسفند ۱۳۵۵ دیده شد و سال بعد اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران اعلام و نشریه‌ای مخفی، حاوی اخبار جبهه آغاز شد و جبهه ملی فعالیتهای رسمی خود را در ۲ آبان ۱۳۵۶ تحت عنوان اتحاد نیروهای ملی از سر گرفت. فعالیت‌های اولیه برای حضور و تشکیل اتحاد نیروهای ملی با حضور منفردین و احزابی مانند حزب مردم ایران، سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران، حزب ایران و حزب ملت ایران آغاز شد. این اتحاد نشانگر متعین بودن و عدم بازبینی در این منظومه معنایی و عدم بازاندیشی در تاکتیک‌ها و استراتژی‌های این گفتمان بود زیرا همچنان بر پابندی به قانون اساسی و اجرای آن تأکید می‌کرد و مدافع حفظ نظام مشروطه سلطنتی بود و عدم توافق جبهه ملی و نهضت آزادی ایران در اوایل فروردین ۱۳۵۶ در باره تدوین برنامه‌ای جامع برای مبارزه و مشارکت فراگیر مردم بیانگر حاکمیت منطق تفاوت بر این الگوی هویتی بود. سال ۵۶ که کارتر ایران را جزیره ثبات دانست، سال شروع بیقراری و منازعات گفتمانی بود و گفتمان حاکم در این سالها از تاکتیک‌های گوناگونی برای مشروعیت‌یابی خویش استفاده می‌کرد که بین سرکوب و سیاست‌های آشتی‌جویانه فضای باز در نوسان



بود (سیاوشی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). مساله ورود عنصر و دال شناور نابهنگامی چون فضای باز و آزادی‌های سیاسی به گفتمان پهلویسم که هیچ هم‌نشینی با سایر دقایق این گفتمان نداشت، باعث ظهور تقاضاهای متنوع و متکثر در جامعه می‌شد و رژیم هم که توان اجماع و اقناع و پاسخگویی به این خواسته‌ها را نداشت، با بکارگیری تکنولوژی‌های سخت‌افزاری قدرت باعث بیقراری و از جاشدگی گفتمان خود و رادیکال و جسورتر شدن گفتمان‌های دیگر می‌شد. سال ۵۶ و اعلام سیاست فضای باز شاه، باعث آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی و نگارش نامه‌هایی از جانب برخی چهره‌های گفتمان ملی-گرا به شاه شد. تولید این متون واکنشی به آزادی‌های سیاسی اعطا شده بود. هرچند مشی این نامه‌ها نشان از محافظه‌کاری و سازش این گفتمان بود با این وجود انتشار این نامه‌ها حکایت از پیشگامی مبارزان این گفتمان در درون کشور بود. یکی از این نامه‌ها توسط سنجابی، فروهر و بختیار نوشته شد که در آن شاه را به اجرای قانون اساسی و رعایت آزادی‌های قانونی دعوت کردند و این نامه اهمیت بسیاری داشت به گونه‌ای که روزنامه لوموند آن را به عنوان یک واقعه بنیادی در تاریخ اخیر ایران معرفی کرد (بازرگان، ۱۳۸۰: ۸۹). اما اختلافات داخلی بین رهبران جبهه ملی حتی در ارتباط با نامه سرگشاده به شاه نیز آشکار بود؛ به گفته بازرگان و برخی از اعضای اپوزیسیون لیبرال، این سه رهبر جبهه ملی (بختیار، سنجابی، فروهر) پیشنهاد بازرگان را مبنی بر امضای این نامه از سوی تعداد زیادی از جامعه روشنفکری، نپذیرفتند (سیاوشی، ۱۳۸۶: ۸-۱۶۷). انتشار مقاله احمد رشیدی مطلق که با هدف به کارگیری ابزارهای نرم جهت به حاشیه‌رانی خصم گفتمانی ولایی (که با نرم افزارهایی چون سخنرانیها و برگزاری مراسم بزرگداشت مصطفی خمینی برجسته شد) در روزنامه اطلاعات، نابهنگامی تاریخی این حرکت را که تبدیل به عامل شتاب در فرایند انقلاب شد، نشان داد زیرا این حرکت باعث رادیکال شدن گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و بازگشت سرکوب شدگان شد. بازگشتی که خود را در قیام ۱۹ دی ماه ۵۶ مردم و روحانیون قم در اعتراض به این مقاله

سیاست پژوهی

فرایند همومنی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



نشان داد. سرکوب‌شدگانی که کارگران و طبقه‌های پایین شهری بخش عمده آن را تشکیل می‌دادند و به وسیله کانون‌های ابژه‌ساز و هنجارهای ابژه‌سازی چون برگزاری چهلم و دیگر مراسم مذهبی و مساجد و روحانیت تبدیل به ابژه‌هایی شدند که به منزله دژکویان انقلاب عمل می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۸۹). قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ تاکتیک‌های مسالمت‌آمیز گفتمان ملی‌گرا را زیر سوال برد و فرصتی بود تا بازاندیشی در این گفتمان صورت بگیرد اما این گفتمان همچنان به روش محافظه‌کارانه خود ادامه داد. در مقابل امام به محض دریافت گزارش کشتار ۱۹ دی ۱۳۵۶ رژیم شاه به عنوان غیر درونی و آمریکا به عنوان غیر بیرونی را مورد حمله قرار داده و خواهان نفی کامل رژیم شد و از انقلابیون خواستند به آنها که از مبارزه در چارچوب قانون اساسی دفاع می‌کردند: «تذکر اکید دهند که با این کلمه صحنه بر رژیم موجود نگذارند.» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳: ۴۲۱). این حادثه زنجیره‌ای از مراسم چهلم را در پی داشت؛ زنجیره‌ای که نشانگانی چون شهادت و جهاد و کنش گفتار جدی امر به معروف و نهی از منکر که از طرف گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی تبلیغ می‌شدند، در به وجود آوردنش سهم چشم‌گیری داشت. مراسم عید فطر به عنوان هنجاری ابژه‌ساز به راهپیمایی یا ابزاری سخت بدل شد. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی از ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ به بعد شنیده شد (فوران، ۱۳۷۷: ۵۷۴-۵۷۶) و خواست رهبری امام در سطحی گسترده مطرح شد که نشان از قدرت پشت گفتمان و قابلیت دسترسی و اعتبار گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی بود. گفتمانی که با رهبری امام خمینی و داشتن شبکه‌ای وسیع از روحانیان (زیباکلام، ۱۳۸۸: ۲۸۸) و اماکن مذهبی و مراسم دینی از جمله عیدها و شهادتها به ویژه تاسوعا و عاشورا که نقش شبکه تولید و توزیع این گفتمان را شکل می‌دادند، معانی خود را در دسترس تمام اقشار و طبقات بعنوان ابژه‌های گفتمان، بویژه اقشار حاشیه‌ای که در پی معنا و هویت-یابی بودند، قرار داد. در این وضعیت که نشان از خروج امام از موقعیت سوژگی و کنشگری ایشان بود، مردم را به ادامه ساختارشکنی و واسازی هژمونی غیر، برای



رسیدن به سعادت و تشکیل حکومت اسلامی دعوت کردند و با بهره‌گیری از بیناگفتمانی که مفصل‌بندی کرده بودند، تظاهرات برای رسیدن به هدف اسلامی را، مانند عبادت دانستند (خمینی، ۱۳۷۸ ج ۳: ۴۵۴). این فضا چنان گیرا و فراگیر بود که نفی وضع موجود و حرکت به سمت وضع مطلوب، حادثه‌ای چون ۱۷ شهریور را رقم زد؛ حادثه‌ای که خود تبدیل به ابزاری برای برجسته سازی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی و به حاشیه‌رانی غیر بود. رخدادی که اعتصابات سراسری را در پی داشت؛ اعتصباتی که رژیم را فلج کرد و حکومت شاه را به مرده‌ای تبدیل کرد که فقط دفن نشده بود. در این روزها گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی چنان فراگیر شده بود که نیروهای گفتمان ملی-گرا به پاریس رفتند و با امام دیدار کردند؛ این سفرها گویای ناسازه بودن گفتمان ملی-گرا و ناسازگاری تاکتیک‌ها و استراتژی‌های این گفتمان و ناتوانی در آفرینش فضایی استعلایی بود به گونه‌ای که سنجابی که برای شرکت در یک کنفرانس بین المللی سوسیالیستی در آبان ۵۷ عازم کانادا بود، در مسیر راهش به پاریس رفت و با امام ملاقات کرد و جذب گفتمان امام خمینی شد و دیگر به کانادا نرفت. سفر سنجابی به پاریس و انتشار بیانیه سه ماده‌ای که در آن مخالفت با رژیم سلطنتی و نظام حکومتی بر اساس موازین اسلام را از خواسته‌های جبهه ملی اعلام کرد، حکایت از نوعی چرخش زبانی در بخشی از گفتمان ملی گرا داشت، گفتمان سکولاری که یکباره خواهان تشکیل حکومتی مذهبی شد به گونه‌ای که صدیقی در انتقاد از روش آنان گفت اینها جبهه ملی را خراب کرده‌اند و آن را به [امام] خمینی فروختند؛ گناه بزرگی مرتکب شدند که از راه مصدق به راه [امام] خمینی آمدند (بی نا، ۱۳۶۸: ۲۵۲-۲۵۳). با شروع ماه محرم امام شهید به صورتی استعاری زنده شد و نهضت را ادامه داد و یزید استعاری یعنی شاه را دی ماه ۱۳۵۷ از کشور بیرون کرد. ماهی که بیان‌کننده بافت فرهنگی و ساختار ذهنی ابژه‌های گفتمانی بود و خود هنجاری ابژه‌ساز بود که در کانونهای اجتماعی در سطحی گسترده-تر، از طرف روحانیون به عنوان مراجعی که در تعیین گزاره‌ها، مفاهیم و موضوعات

یاسست پژوهی

فرایند همومنی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



شناسایی این گفتمان و همچنین استراتژی گفتمان تاثیرگذار بودند، تبلیغ می‌شد.

نخست وزیر بختیار باعث شد تا سران این گفتمان که خود پیشتر با قبول رهبری امام خمینی باعث ناهمسازی در هم‌نشینی بین‌دال‌ها و دقائق این گفتمان شده بودند، بختیار را از جبهه ملی اخراج کنند. این وضعیت با وجود شورای انقلاب و سپس تشکیل دولت موقت در ۱۵ بهمن منجر به حاکمیت دوگانه شد، اما این حاکمیت دوگانه با مداخله هژمونیک امام از بین رفت و گفتمان استعاری امام که تبدیل به پنداره‌ای اجتماعی شده بود، برجسته شد زیرا نه تنها مادیت بلکه معنویت را نیز قرار بود با خود برای گروه‌های متنوع و متکثر به همراه آورد و هم دنیا و هم آخرت را آباد کند (خمینی، ۱۳۷۸ ج ۶: ۲۷۳). این فضای استعاری چنان فراگیر بود که خبر نامه جبهه ملی در ۱۲ بهمن نوشت: ابرمرد زنده تاریخ می‌آید، مردی چنین دو بار نمی‌آید، در تمام طول حیات انسان تنها همین یک بار است که خورشید از غرب به شرق می‌آید، خورشیدی که امانت شرق بود نزد غرب (خبرنامه جبهه ملی ۵۷/۱۱/۱۲) در نهایت انقلاب در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پیروز شد و بهاری برای گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی شد و با این رقیبان و خصم‌های گفتمانی تا اسلامی شدن انقلاب راهی نمانده بود.

۷. منازعات گفتمانی پس از پیروزی انقلاب

با پیروزی انقلاب، امام خمینی با مشروعیتی که از طرف شارع مقدس برای خود قائل بود، بازرگان را به نخست وزیر دولت موقت منصوب کرد. با این انتصاب، بخشی از گفتمان ملی گرا قدرت را به دست گرفتند، اما نه تمام قدرت را بلکه بخش کوچکی از قدرت را به نام دولت موقت که یک حکومت مستعجل بود. با این انتصاب دولت موقت با خواسته‌های متنوع و گروه‌های متکثری مواجه شد این دولت خود نشان‌دهنده مرحله جدیدی از غیریت‌سازی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی بود، دولتی که به گفته بازرگان پا داشت و گام به گام می‌رفت نه بال برای پرواز و اقدامات انقلابی.



در حالیکه جریان اسلام سیاسی فقاهتی با فرصت سنجی، امکانات نظری و عملی خود را بیشتر می‌پروراند، گفتمان ملی گرا بیشتر زیر ضربات زنجیره تفاوت درون گفتمانی قرار می‌گرفت به گونه‌ای که در روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ که حدود یک میلیون نفر برای یادبود مصدق در احمدآباد گردهم آمده بودند و این جمعیت خود نیروی عظیمی بود با این همه احمد متین دفتری نوه مصدق درسخرانی خود به جبهه ملی حمله کرد و آن را سازمانی بی‌فایده عنوان کرد، سپس خود تشکیل جبهه دموکراتیک ملی را اعلام کرد. پس از این رخداد بلافاصله گروه سوسیالیست‌ها به رهبری رضا شایان به جبهه دموکراتیک ملی پیوست و با جبهه ملی قطع رابطه کرد و شوک بعدی در روز ۲۸ خرداد ۵۸ وارد شد؛ هنگامی که داریوش فروهر علنی از رهبران دیگر این گفتمان به دلیل عدم همکاری، فردگرایی و بی‌میلی شان به رهبری جمعی انتقاد کرد و از جبهه ملی جدا شد. این پیکارها همچنان ادامه داشت تا اینکه زمان منازعات سترگ رسید.

رفراندوم تعیین نوع حکومت یکی از مهمترین موارد نزاع گفتمانی میان دو گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و گفتمان ملی‌گرا بود. جریان اسلامی به دنبال جمهوری اسلامی بود و نهضت آزادی، جمهوری دموکراتیک اسلامی. برخی جمهوری ایران می‌خواستند مانند حسن نزیه و علی‌اصغر صدر حاج‌سیدجوادی، کسی که در دوران بیکراری انقلاب گفته بود: وقتی امام بیاید دیگر کسی دروغ نمی‌گوید (جنبش، ۵۷/۱۱۷). با طرح این مسائل و ملتهب شدن فضای کشور گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی با مداخله هژمونیک امام، این پیکار را بردند و یک گام به هژمونی نزدیک شدند. امام از جمهوری اسلامی به مثابه دالی تهی که دربردارنده آرزوهای ملت بود و ملت جز تصوری آرمانی از آن نداشت، حمایت کردند و گفتند من به جمهوری اسلامی رأی می‌دهم نه یک کلمه زیاد

و نه یک کلمه کم. در نهایت رای بیش از ۹۹ درصدی ملت در فروردین ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی توان استعاری سازی این گفتمان را نشان می‌داد. این نیز پیروزی و شکستی دیگر بود؛ پیروزی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و شکست گفتمان ملی‌گرا.

یاسر شوبی

فرایند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



قانون اساسی و مجلس تدوین آن، مهمترین کانون منازعه در بهار ۱۳۵۸ بود اما به دلیل اشتباهات گفتمان ملی‌گرا این پیکار را نیز گفتمان اسلام سیاسی به سود خود به پایان رساند؛ بدینگونه که یک قانون اساسی توسط دولت موقت و نیروهای نزدیک به این گفتمان نوشته شده بود و در آن سخنی از ولایت فقیه و قدرت نهاد روحانیت جز یک شورای روحانی به میان نیامده بود. با مخالفت امام به دلیل وقت‌گیر بودن مجلس موسسان و نشانه غرب‌زدگی بودن این مجلس (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۲) مجلس خبرگانی تشکیل شد که بیش از ۸۰ درصد اعضای آن را نیروهای گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی شکل دادند و ولایت فقیه به عنوان دال برجسته این گفتمان در قانون اساسی تصویب و تثبیت شد. این گفتمان حال از تکنولوژی‌های جدید قدرت نظیر قانون و مطبوعات نیز سود می‌جست که باعث توقیف روزنامه‌های مخالفان از جمله روزنامه آیندگان وابسته به گفتمان ملی‌گرا شد. اما این به کارگیری تاکتیک‌های سخت افزاری قدرت، توسط گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در حمله به سفارت آمریکا توسط دانشجویان در ۱۳ آبان به عنوان غیر بیرونی (آمریکا) بود که باعث استعفا و به‌حاشیه‌رانی دولت موقت و پیروزی نهایی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در پیکارهای سترگ گفتمانی گشت. بهزاد نبوی ضمن مصاحبه‌ای با روزنامه انقلاب اسلامی گفت:

« ما سفارت را اشغال کردیم تا دولت موقت را از اریکه قدرت به زیر

کشیم.» (شادلو، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۸۸)

در نهایت اولین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ۵۸ همه‌پرسی گذاشته شد و با بیش از ۹۹ درصد آرا مثبت به تصویب همگانی رسید و دال اسلامی برای انقلاب ۵۷ تثبیت شد.

در انتخابات اولین دوره مجلس در اسفند ۵۸، گروه‌های نزدیک به گفتمان ملی‌گرا با نشان دادن مرزهای تمایز میان خود، هرکدام جداگانه در انتخابات مجلس شرکت کردند. به طوریکه دفتر هماهنگی رئیس جمهور وابسته به بنی‌صدر و گروه‌های همنام

وابسته به نهضت آزادی جداگانه درانتخابات شرکت کردند، اما جریان اسلامی در یک ائتلاف بزرگ با گروههایی چون حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دیگر گروهها که نشان از حاکمیت منطق هم‌ارزی بر این گفتمان بود، وارد انتخابات شدند، در نتیجه دو سوم یا ۹۰ درصد نمایندگان مجلس اول را نمایندگان گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی تشکیل دادند. نتیجه انتخابات به سود جریان اسلامی پایان یافت و تکنولوژی‌های قدرت گفتمان اسلام سیاسی، دوباره تغییر و با مجلس تکامل یافت. در این دوران، نزاع مهم میان بنی‌صدر و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی بر سر انتخاب نخست وزیر بود. در نهایت محمد علی رجایی که از نامزدهای پیشنهادی حزب جمهوری اسلامی بود با حمایت حزب جمهوری اسلامی در مرداد ۵۹ نخست وزیر شد. بدنبال این رخدادها، شورای حل اختلافی هم که برای رسیدگی به مشکلات تعیین شده بود، بنی‌صدر را مقصر اعلام کرد و در این مرحله تاکتیک‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت با هم به کار گرفته شد و دادستانی، روزنامه‌های انقلاب اسلامی بنی‌صدر و میزان نهضت آزادی را توقیف کرد و دو روز بعد امام، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا برکنار و او که مخفی شده بود هوادارانش را دعوت به مبارزه کرد و جبهه ملی در پوشش مخالفت با لایحه قصاص در خرداد ۵۸ به راهپیمایی پرداخت و امام با بهره‌گیری از تاکتیک سخت قدرت و توان بیناگفتمانی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی، جبهه ملی را با کنش گفتاری جدی ارتداد، مرتد اعلام کرد. با این کنش امام خمینی، در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ طرح عدم کفایت بنی‌صدر در مجلس تصویب شد تا گفتمان ملی‌گرایی سیاسی-مدنی به حاشیه رانده شود و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی که پیش از این هژمونی یافته بود، تثبیت شود و عینیت یابد و قدرت را در دست گیرد.

یاست پژوهی

فرابند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



برای هژمونی شدن یک گفتمان هم نیاز به استراتژی و نظریه‌ای است که بافت را

در نظر بگیرد و هم به ابزارها و تاکتیک‌هایی سخت و خشن و یا نرم و زبانی و هم به لشکر پیاده نظام پرورش یافته برای رسیدن به هدف و پیاده کردن استراتژی نیاز است. گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی امام خمینی با بهره‌گیری عناصری چون اجتهاد، عقل، تخطئه و تغییر که به فقیه به مثابه سوژه این گفتمان، امکانات نظری برای تولید گزاره‌های معتبر و جدی را می‌داد، توانست نه یک گفتمان که یک بیناگفتمان را صورت بندی هژمونیک کند. آنچه در این میان امام را از موقعیت سوژگی به سوژه سیاسی ارتقاء داد، ترکیب و تلفیق دالها و نشانگان گوناگون سنتی و مدرن پسامشروطه در قالب مدل‌ها و گزاره‌های فقهی، به مثابه روایت ارتدوکس اندیشه سیاسی شیعه بود که تبدیل به کنش گفتارهای جدی می‌شدند که معیارهای صدق و کذب و شیوه‌های اندیشیدن و فهم جهان را شکل می‌دادند.

از مشکلات جدی گفتمان ملی‌گرا یکی این بود که از آغاز صورت‌بندی تا به حاشیه‌رانی توسط گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی، هیچ‌گونه بازاندیشی در تاکتیک‌ها و استراتژی‌های خود انجام نداد و راکد ماند، به‌گونه‌ای که اهداف و روشهای این گفتمان از همان زمان صورت‌بندی اولیه توسط مصدق تا به حاشیه رانده شدن به همان شکل باقی ماندند. در حالیکه زمینه و زمانه توسط سایر گفتمان‌ها بازاندیشی می‌شد و تغییر می‌کرد. آسیب مهم دیگر این گفتمان در استراتژی اصلاح‌طلبی بویژه اصلاح‌طلبی نابهنگام بود. در برخی موارد اعتراضات نیروها و هواداران این گفتمان از جمله دانشجویان در دهه ۴۰ بدلیل اصلاح‌طلبی این گفتمان و انقلابی نبودن آن، فرو می‌نشست، در حالیکه تحت شرایط معین، عمل جمعی ممکن است وضعیت‌های انقلابی ایجاد کند و باعث هژمونی یک گفتمان شود.

گفتمان فقهاتی با برخورداری از حافظه‌ای تاریخی به بازاندیشی در تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها می‌پرداخت. گفتمانی که از یک حوزه معنایی و گفتمانی دینی-فقهی به دلایل تاریخی خروج کرد و با اتکا به کنشگری امام خمینی به عنوان یک سوژه تعیین



بخش به حوزه‌ای سیاسی ورود پیدا کرد. جدای از بازاندیشی در استراتژی، بخشی از این بازاندیشی در تاکتیک‌های آن بوده است.

گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی با سازواری و انطباق با ایستمه (نظام دانایی) حاکم بر جامعه و با بهره‌گیری از این نشانه‌ها و رخداد‌های تاریخی، چنان استعلایی شد که شکست به آن راهی نمی‌یافت، زیرا نتیجه یا پیروزی بود یا از آن بهتر و بالاتر شهادت بود.

مجموع مولفه‌های برشمرده در کنار ریزوم وار بودن قدرت گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی که قدرتی پخش و پراکنده در بدنه اجتماعی ملت بود، کنترل آن را برای گفتمان پهلویسم دشوار می‌کرد در مقایسه با قدرت سازمانی-نخبه‌گرایانه گفتمان ملی‌گرا که موجب تسهیل امر کنترل و در نتیجه سرکوب این گفتمان توسط گفتمان حاکم می‌شد، گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی در کنار عدم تجربه یک حکومت دینی در خاطرات جمعی ملت، توانست به گفتمانی چترگونه و فراگیر تبدیل شود و نوعی وفاق و همگونگی را ایجاد کند که در تاریخ عصر مدرن بی سابقه بود. اراده جمعی مطلق مردم ایران حاصل این وفاق حداکثری بود. این وفاق جمعی حاصل نسبت استراتژی با تاکتیک‌های نرم افزاری و سخت افزاری برجسته سازی و به حاشیه رانی قدرت و کانون‌های ابژه ساز و ابژه‌های انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بود.

یاست پژوهی

فرابند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰



فهرست منابع:

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس و محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز.
۲. استوکر، گری و مارش، دیوید. (۱۳۸۴). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. مترجم امیرمحمدحاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران، مولف.
۴. بازرگان، مهدی. (۱۳۶۰). *شورای انقلاب و دولت موقت*. تهران، انتشارات نهضت آزادی.
۵. بازرگان، مهدی. (۱۳۶۱). *مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب*. تهران، انتشارات نهضت آزادی.
۶. بروجردی، مهرزاد. (۱۳۷۷). *روشنفکران ایران و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فرزاد روز.
۷. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲). *تجربه بازی سیاسی ایرانیان*. تهران، نی.
۸. جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). *جریانها و سازمانهای سیاسی مذهبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷*. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. حسینی زاده، محمدعلی. (۱۳۸۹). *اسلام سیاسی در ایران*. قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۰. خبرنگار، جبهه ملی.
۱۱. خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام، تهران*. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خمینی، روح الله. (۱۳۷۳). *ولایت فقیه*. (حکومت اسلامی). تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خوشروزاده، جعفر. (۱۳۸۲). «میشل فوکو و انقلاب اسلامی». رویکردی فرهنگی از منظر چهره-های قدرت، اندیشه انقلاب اسلامی، - شماره ۷ و ۸.
۱۴. دریفوس، هیوبرت، پل رابینو و میشل فوکو. (۱۳۸۹). *فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک*. ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی.
۱۵. «روشنفکران و انقلاب». (۵۸/۰۶/۰۸). کتاب جمعه، سال اول، شماره پنجم.
۱۶. زیباکلام، صادق. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران، روزنه.
۱۷. سیاوشی، سوسن. (۱۳۸۶). *لیبرال ناسیونالیسم در ایران*. ترجمه علی محمد قدسی، تهران، باز.



۱۸. سلطانی، علی اصغر. (۱۳۹۴). قدرت، گفتمان، زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نی.
۱۹. شادلو، عباس. (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم. تهران، وزراء.
۲۰. فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه فرهنگی رسا.
۲۱. فیلیپس، لوئیز و یورگنسن، ماریان. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه‌های جلیلی، تهران، نی.
۲۲. مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۳). سیاستگذاری ساختار قدرت در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). پیرامون انقلاب اسلامی. دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. میراحمدی، منصور و اکرم شیری. (۱۳۸۸). «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی». علوم سیاسی، شماره ۴۸.
۲۵. میرسپاسی، علی. (۱۳۸۴). تاملی در مدرنیته ایرانی. ترجمه جلال توکلیان، تهران، طرح نو.
۲۶. نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله. تهران، رسا.
۲۷. نجف‌زاده، مهدی. (۱۳۸۲). «گفتمان از صورت‌بندی دانایی تا امر سیاسی». فصلنامه گفتمان. سال سوم، شماره ۷.
۲۸. نظری، علی‌اشرف. (۱۳۸۷). «قدرت، سوژه و هویت: تاملی بر آرای میشل فوکو». خردنامه همشهری، شماره ۲۶.
۲۹. نوریس، کریستوفر. (۱۳۷۷). «گفتمان». ترجمه حسینعلی نودری، فصلنامه گفتمان، شماره صفر.

یاست پژوهی

فرابند هژمونی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی از خرداد ۱۳۳۳ تا خرداد ۱۳۶۰

